

فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران / تابستان ۸۱ / شماره ۱۱

بررسی اثرات جهانی شدن بر تجارت خارجی ایران

دکتر حسن کلباسی *

سید عبدالمجید جلائی **

تاریخ ارسال: ۸۰/۹/۲۷ تاریخ پذیرش: ۸۱/۷/۲۹

چکیده

در این مقاله، پس از بررسی مدل‌های تقاضای واردات و عرضه صادرات از دوشاخص سطح تجارت بین الملل (LIT)^۱ و ادغام تجارت بین الملل (IIT)^۲ به عنوان شاخص‌های جهانی شدن استفاده شده است. برای اقتصاد ایران، معادلات تقاضای واردات و عرضه صادرات به تفکیک و در سه گروه کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی تخمین زده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد در یک گروه معادله‌ها، شاخص LIT و در گروه دیگر معادله‌ها، شاخص IIT معنی دار بوده است. با توجه به برآوردهای به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که در گروه کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای دویخس کشاورزی و ساختمان توانایی‌های لازم برای ورود به بازارهای جهانی را دارند. از طرف دیگر، به نظر می‌رسد که بخش کالاهای مصرفی بیشترین زیان را از پدیده جهانی شدن متحمل خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: جهانی شدن، تجارت بین الملل

Email: H-Kalbasi@hotmail.com

* استادیار بخش اقتصاد دانشگاه اصفهان

** دانشجوی دوره دکترای اقتصاد دانشگاه اصفهان

1. Level of International Trade
2. Integration of International Trade

۱. مقدمه

در مورد جهانی شدن نظرات متفاوتی وجود دارد. گروهی معتقدند که جهانی شدن اندیشه و تفکری است که می‌خواهد فلسفه و هویت غرب را در یک امپراطوری تحت سلطه امریکا بر جهان تحمیل کند. بنابراین، جهانی شدن به معنای اعمال قدرت و نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امریکاست. گروه دیگری نیز جهانی شدن را مرزهای ملی و ایجاد هم بستگی و پیوند بیشتر میان ملت‌ها به منظور برقراری روابط متقابل می‌دانند.

در حوزه اقتصاد، جهانی شدن عبارت است از یکپارچگی و ادغام اقتصادهای ملی با گسترش تجارت و اقتصاد بازار آزاد.

یکی از مشخصه‌های اصلی جهانی شدن افزایش سریع جریان گردش سرمایه گذاری‌های مستقیم خارجی بوده است. مبلغ این سرمایه گذاری‌ها، از حد متوسط ۵۰ میلیارد دلار در سال‌های ۱۹۸۳-۱۹۸۵ به بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار در سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۹۱ افزایش یافته است. در سال ۱۹۸۶ این مبلغ، بالغ بر ۳۵۰ میلیارد دلار بوده است. در حقیقت، سرمایه داری مدیون همین گردش سرمایه گذاری خارجی بوده است (گوگردچیان ۱۳۸۰). جهانی شدن پدیده‌ای پیچیده و دارای ابعاد مختلف است، بیشتر اقتصاددانان رشد تجارت و رشد سرمایه گذاری مستقیم خارجی و رشد شرکت‌های چند ملیتی را از مشخصه‌های جهانی شدن می‌دانند. همچنین، از مشخصه‌های دیگر جهانی شدن، آزادسازی تجاری و کاهش حمایت‌گرایی است که این مسئله هم در زمینه صادرات و هم در زمینه واردات قابل بررسی است.

به طور کلی کشورهای در حال توسعه، بخشی از درآمدهای خود را صرف حمایت و پرداخت یارانه به کالاهای صادراتی می‌کنند، این اقدام، موجب غیرواقعی شدن قیمت‌های نسبی و از بین رفتن رقابت واقعی بین کالاهای صادراتی خواهد شد. لذا، در روند جهانی شدن حمایت از صادرات متفی است. در این صورت، کالاهایی در بخش صادرات باقی خواهند ماند که در تولید دارای مزیت نسبی باشند. کاهش محدودیت‌های تعرفه‌ای واردات از اصول مهم سازمان تجارت جهانی در روند جهانی شدن است، لذا، جهانی شدن موجب کاهش تعرفه‌ها و افزایش واردات کشورها می‌شود.

بنابراین، در روند جهانی شدن، میدان رقابت از سطح منطقه به سطح جهانی گسترش می‌یابد و در این روند کشورهای موفق تر هستند که قدرت رقابت بالاتری در بعد تجارت بین الملل (صادرات و واردات) داشته باشند. افزون بر این، موفق بودن کشورها با ساختار اقتصادی، قوانین و مقررات حاکم بر آن کشور نیز ارتباط دارد.

در این مقاله، از راه وارد کردن شاخص‌های جهانی شدن در توابع عرضه صادرات و تقاضای واردات، تأثیر جهانی شدن را بر گروه کالاهای صادراتی و وارداتی بررسی می‌کنیم. به این منظور ابتدا، مروری بر مطالعات انجام شده خواهیم داشت و سپس، با معرفی شاخص‌های مهم جهانی شدن الگوی مورد نظر خود را ارائه می‌کنیم و سرانجام، نتایج تجربی حاصل از برآورد ضرایب الگو را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

۲. مروری بر پاره‌ای مطالعات انجام شده

بررسی الگوهای تجربی ساخته شده برای سایر کشورها از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا، مفروضات، محاسن و معایب هر الگو مشخص شده و با دید روشن تری می‌توان موضوع مورد بحث را ارزیابی کرد. همچنین، از دوباره کاری نیز جلوگیری خواهد شد.

۲-۱. الگوهای تقاضای واردات

الف) الگوی محسن خان^۱

محسن خان، الگوی خود را در دو حالت ارائه کرده است. در حالت اول، الگو در وضعیت تعادل و به صورت لگاریتمی زیر بررسی شده است:

$$\text{Log } M_{it} = a_0 + a_1 \text{Log } (Pm_i/Pd_i) + a_2 \text{Log } (Y_t) + U_t$$

در این رابطه، M_{it} ارزش واردات در زمان t ، Pm_i قیمت کالاهای وارداتی، Pd_i سطح قیمت داخلی و Y_t تولید ناخالص داخلی واقعی است. در حالت دوم، الگوی محسن خان در وضعیت عدم تعادلی با وجود متغیر تأخیری، به صورت زیر بررسی شده است:

$$\text{Log } M_t = \lambda [\text{Log } M_t^d - \text{Log } M_{t-1}]$$

$$\text{Log } M_t = \lambda a_0 + \lambda a_1 \text{Log } P_t + \lambda a_2 \text{Log } Y_t + (1-\lambda)\text{Log } M_{t-1} + U_t$$

محسن خان الگوی یادشده را در هر دو حالت برای ۱۵ کشور برآورد کرده است.

ب) الگوی سانداراجان و تاکور^۱

سانداراجان و تاکور نیز در دو حالت تعادل و عدم تعادل به بررسی تابع تقاضای واردات پرداخته اند، در حالت تعادل از معادله زیر استفاده شده است:

$$\text{Log } M_{it} = a_0 + a_1 \text{Log } (Pm_i/Pd_i) + a_2 \text{Log } (Y_t) + a_3 T + U_t$$

همان طور که مشاهده می شود تفاوت این الگو با الگوی محسن خان اضافه شدن متغیر روند (T)

است. فرم نهایی تابع در حالت عدم تعادل نیز، به صورت زیر است:

$$\text{Log } M_t = a_0 + a_1 \text{Log } P_t + a_2 \text{Log } Y_t + a_3 T + (1-\lambda)\text{Log } M_{t-1} + U_t$$

ج) الگوی هاشم پسران

محمدهاشم پسران در یک الگوی تجاری برای کشورهای صادرکننده نفت، تابع تقاضای واردات را به صورت زیر در نظر گرفته است:

$$M = EP^* m(a + y, EP^*/P_n)$$

که در این الگو، M ارزش واردات اسمی، m واردات حقیقی، E نرخ ارز، P* و Pn به ترتیب

قیمت کالاهای خارجی و داخلی و a + y جذب واقعی داخلی است.

برخی الگوهای تقاضای واردات نیز عبارتند از الگوی منصور و رابینسون، الگوی خان برای ونزوئلا

الگوی هاتاگر و مگی، الگوی همفیل، الگوی خواجه سرمد، الگوی موران و الگوی سامونل مورس.

۲-۲. الگوهای عرضه صادرات**الف) الگوی هاتاگر و مگی**

هاتاگر و مگی، در مطالعه‌ای که در سال ۱۹۶۹ منتشر شد، تابع عرضه صادرات را برای ۲۹ کشور جهان برآورد کردند. معادله زیر برای این منظور مورد استفاده قرار گرفته بود:

$$\text{Log } X_{jt} = a_{0j} + a_{1j} \text{Log } W_{yjt} + a_{2j} \text{Log } (P_x/PW_x)_{jt} + U_{jt}$$

به طوری که در این الگو، X_{jt} کالاهای صادراتی کشور ژام در سال t، W_{yjt} شاخص تولید ناخالص

ملی برای ۲۶ کشور واردکننده غیر از کشور ژام در سال t، P_x شاخص قیمت کالاهای صادراتی و

PW_x شاخص قیمت کالاهای صادراتی ۲۶ کشور صادرکننده دیگر غیر از کشور ژام است.

ب) الگوی پسران

پسران، در مقاله‌ای تحت عنوان "سیاست‌های کلان اقتصادی در اقتصاد یک کشور صادر کننده نفت، با کنترل‌های ارزی" الگویی که شامل ۱۲ معادله است را ارائه می‌کند. در بخش قبل، ما تقاضای واردات این الگو را ارائه کردیم. عرضه صادرات این الگو عبارت است از:

$$X = P_n \cdot X(P_n/EP^*)$$

در رابطه بالا، X صادرات غیر نفتی، P_n قیمت داخلی کالاهای غیر نفتی تولید شده، E نرخ ارز رسمی و P^* نیز قیمت‌های جهانی هستند.

ج) الگوی فیروز وکیل و حسین رضوی

این دو، در یک مطالعه برای اقتصاد ایران برای سال‌های ۱۹۷۱-۱۹۸۳ عرضه صادرات را به صورت زیر ارائه کرده اند:

$$E = E_o + E_{no}$$

که در آن، E کل صادرات، E_o صادرات نفتی و E_{no} صادرات غیر نفتی است. تابع صادرات نفتی و غیر نفتی به صورت زیر معرفی شده است:

$$E_o = a_o + a_1 E_o - 1$$

$$E_{no} = b_o + b_1 M_k + b_2 VA$$

به طوری که در رابطه یاد شده، M_k واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای و VA ارزش افزوده بخش صنعت است.

در ایران نیز، مطالعات زیادی در رابطه با توابع تقاضای واردات و عرضه صادرات انجام شده است که از آن جمله، می‌توان به بررسی‌های علیرضا شکیبایی، شکوه السادات علی اکبر، محسن بهمنی اسکویی، محمد نوفرستی و عباس عرب مازار، علیرضا رحیمی بروجردی، مسعود نیلی و علی رازینی اشاره کرد.

۳. شاخص‌های جهانی شدن

مسلم است که اندازه گیری جهانی شدن اقتصاد هنوز در مراحل مقدماتی است، از این رو، نقطه نظرات متفاوتی وجود دارد و متغیرهای گوناگونی به عنوان شاخص مطرح شده است.

تعدادی از مقاله‌ها، اثرات جهانی شدن را بر مصرف عمومی بررسی کرده اند که برخی از آنها عبارت از گارت^۱ (۱۹۹۵ و ۱۹۹۸)، کوساک^۲ (۱۹۹۷)، سوانک^۳ (۱۹۹۷)، کوین^۴ (۱۹۹۷) و دربک^۵ (۱۹۹۷ و ۱۹۹۸) است. هر هفت مطالعه یاد شده به دنبال اثرات یکپارچگی بازارهای جهانی بر رفتارهای مصرف عمومی هستند. در این مطالعه‌ها اختلاف زیادی در معرفی متغیرهای جهانی شدن مشاهده می‌شود، به طوری که در مطالعات گارت و رودریک مجموع صادرات و واردات به GDP به عنوان شاخص مورد استفاده قرار گرفته اند.

یکی از پژوهش‌های مهم پژوهش ماخی‌جا^۶، کیم^۷ و ویلیامسون^۸ است. در این مطالعه که برای صنایع شیمیایی صورت گرفته است، از دو معیار سطح تجارت بین الملل و ادغام تجارت بین الملل به عنوان شاخص‌های جهانی شدن استفاده شده است. همان گونه که اشاره خواهد شد این دو معیار، دارای برتری‌های زیادی نسبت به سایر معیارها بوده، که در این مطالعه نیز مورد استفاده واقع خواهند شد.

۳-۱. شاخص سطح تجارت بین الملل

این شاخص که نشان دهنده وسعت ارتباط بین المللی برای یک بخش خاص است، به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$LIT_t = (X_t + M_t) / (Y_t + M_t - X_t)$$

در رابطه بالا X_t ، M_t و Y_t به ترتیب صادرات، واردات و تولید در بخش مورد بررسی هستند. LIT_t کمتر، نشان می‌دهد که بخش مورد نظر با توجه به سطح تولید خود کمتر در تجارت شرکت می‌کند. این شاخص گرچه بسیار مناسب است، اما، شرط لازم جهانی شدن را نشان می‌دهد و شرط کافی برای اندازه گیری جهانی شدن اقتصاد نیست.

لازم به یادآوری است که X_t ، M_t و Y_t به ترتیب شامل صادرات، واردات و تولید در سه گروه کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی هستند.

1. Garrett
2. Cusack
3. Swank
4. Quinn
5. Rodrik
6. Makhija
7. Kim
8. Williamson

جدول (۱) مقدار این شاخص را که برای سال‌های ۱۳۳۸ - ۱۳۷۷ محاسبه شده است، نشان می‌دهد. نمودارهای (۱) و (۲) نیز، روند حرکتی این شاخص را نشان می‌دهند. در این نمودار، روند شاخص سطح تجارت جهانی به تفکیک کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی تبیین شده است. این شاخص، برای دو گروه کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای از یک روند مشابه پیروی می‌کنند که می‌توان گفت هر دو گروه از جریان جهانی شدن به یک صورت تأثیر می‌پذیرند. شاخص صادرات، واردات و تولید هر دو گروه کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای از سال ۱۳۳۸ به بعد سیر نسبتاً صعودی داشته است و در سال‌های ۵۴ و ۵۶ با نمایان شدن اثر افزایش قیمت نفت، شاخص‌های فوق برای سه گروه کالاها با سیر صعودی بیشتری همراه شده است با پیروزی انقلاب اسلامی شاخص برای دو گروه کالای سرمایه‌ای و واسطه‌ای با کاهش مواجه شده است. پس از آن، این شاخص برای دو گروه کالا با نوسانات زیاد و برای گروه کالاهای مصرفی به صورت روندی کند، خود را نشان می‌دهند. به طور طبیعی، شرایط اقتصادی که به نوعی بر صادرات و واردات کالاها تأثیر گذاشته اند بر روی شاخص سطح تجارت به طور مستقیم تأثیر گذاشته است.

۳-۲. شاخص ادغام تجارت بین الملل

این شاخص، همان شاخص گروبل و لوید^۱ است که ادغام جهانی یک بخش را اندازه گیری کرده و به صورت زیر است:

$$III_t = 1 - [|M_t - X_t| / (X_t + M_t)]$$

در حقیقت، این شاخص نشان دهنده درجه ادغام تجارت بین الملل، تجارت درون صنعت و تجارت درون یک بخش است. همان طور که ملاحظه می‌شود، شاخص III_t بین صفر و یک بوده که صفر نشان دهنده عدم وجود تجارت درون بخشی و یک بیانگر تجارت کامل درون بخشی است.

جدول (۱) مقدار این شاخص را که برای سال‌های ۱۳۳۸ - ۱۳۷۷ محاسبه شده است، نمایش می‌دهد. نمودارهای (۱) و (۲) نیز، روند حرکتی این شاخص را نمایش می‌دهند. شاخص ادغام برای گروه کالاهای سرمایه‌ای به صورتی کاملاً هموار در طی سال‌های ۱۳۳۸ - ۱۳۷۷ حرکت می‌کند، اما، دو گروه کالای مصرفی و واسطه‌ای این شاخص روندی نسبتاً نزولی از سال‌های ۱۳۴۴ را آغاز و طی سال‌های ۱۳۶۲ - ۱۳۶۴ به پایین ترین حد خود و مجدداً از سال‌های ۶۷ سیر آن صعودی و همراه با نوسان بوده است.

نکته قابل ذکر این است که در شاخص سطح، کالاهای مصرفی از روندی هموار برخوردار بودند. در حالی که در شاخص ادغام، کالاهای سرمایه‌ای از چنین روندی برخوردار شدند و این مسئله ما را به این نتیجه کلی می‌رساند که از دو شاخص معرفی شده برای جهانی شدن نمی‌توان نتایج یکسان و مشابهی گرفت، ضمن این که این دو شاخص از نظر شکل نتیجه گیری با هم متفاوتند، مقدار هر یک و حوزه تغییراتشان برای نشان دادن اثرات جهانی شدن در مدل‌های صادرات و واردات یکسان نیست.

در ایران نیز، اکبر کمیجانی و کیومرث نوری در مقاله‌ای تحت عنوان "جهانی شدن و اثرات آن بر کشاورزی ایران (مطالعه موردی گندم و پسته)" با استفاده از دو شاخص اشاره شده قبلی به بررسی کشاورزی ایران پرداخته اند.

ما نیز در این پژوهش، با استفاده از این دو شاخص و قرار دادن آنها در توابع عرضه صادرات و تقاضای واردات، ضمن تخمین ضرایب معادلات، با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی، اثرات جهانی شدن را بر وضعیت تجارت بین الملل ایران بررسی می‌کنیم. حال، در زیر ساختار مدل مورد بررسی در این مطالعه را معرفی می‌کنیم.

۴. ساختار الگو

هر الگو باید با توجه به نظریه‌ها، واقعیت‌های اقتصادی و شیوه‌های قابل دسترس برای آزمون آن ساخته شود. تابع تقاضای واردات مانند هر تابع تقاضایی به قدرت خرید و قیمت وابسته است. از طرف دیگر، تابع عرضه صادرات نیز مانند هر تابع عرضه‌ای وابسته به قیمت‌های نسبی است. همچنین، با اضافه کردن شاخص‌های جهانی شدن اثرات این پدیده را نیز بر اقتصاد ایران بررسی کرده‌ایم. با توجه به اینکه می‌توان این دو تابع را هم در حالت تعادل و هم در حالت عدم تعادل بررسی کرد، بنابراین، با بررسی هر دو حالت مزبور بهترین فرم تخمین، آورده شده است. ما در این بررسی، هم عرضه صادرات و هم تقاضای واردات را به تفکیک کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی بررسی و تا حد امکان نیز آنها را به بخش‌های مختلف تفکیک کرده‌ایم. به طور کلی، توابع تقاضای واردات و عرضه صادرات مورد بررسی به صورت زیر در نظر گرفته شده اند:

$$\begin{aligned} \text{Log } M_{1tj} = & a_{0j} + a_{1j} \text{Log } (Pm/Pd)_t + a_{2j} \text{Log } Y_{tj} + a_{3j} \text{Log } M_{t-1j} \\ & + a_{4j} \text{Log } LIT_{tj} \quad j = 1, \dots, 4 \end{aligned}$$

$$\begin{aligned} \text{Log } M_{2ti} = & b_{0i} + b_{1i} \text{Log } (Pm/Pd)_t + b_{2i} \text{Log } I_{ti} + b_{3i} \text{Log } M_{t-1i} \\ & + b_{4i} \text{Log } LIT_{ti} \quad i = 1, \dots, 3 \end{aligned}$$

$$\text{Log } M_{3t} = c_0 + c_1 \text{Log } (\text{Pm/Pd})_t + c_2 \text{Log } \text{CT}_t + c_3 \text{Log } M_{t-1} \\ + c_4 \text{Log } \text{POP}_t + c_5 \text{Log } \text{LIT}_t$$

به طوری که در روابط یاد شده اندیس‌های ۱، ۲ و ۳ به ترتیب، مربوط به کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی هستند. از طرف دیگر، در روابط یاد شده اندیس \bar{J} اندیس مربوط به بخش است. همان طور که مشاهده می‌شود، تابع تقاضای واردات کالاهای سرمایه‌ای تابعی از میزان سرمایه گذاری انجام شده در بخش مورد نظر نیز است. در رابطه با تابع تقاضای مصرفی، میزان مصرف بخش خصوصی و جمعیت دو متغیر بسیار مهم و تأثیرگذار هستند. در رابطه با عرضه صادرات نیز داریم که:

$$\text{Log } E_{tji} = b_{ji0} + b_{ji1} \text{Log } (\text{Pd/Px})_t + b_{ji2} \text{Log } E_{t-1ji} + b_{ji3} \text{Log } \text{IIT}_{tji}$$

در رابطه بالا اندیس \bar{J} ، اندیس مربوط به نوع کالاها و اندیس \bar{J} ، اندیس مربوط به بخش مورد بررسی است.

۵. نتایج تجربی

هر چند که با توجه به توابع تخمینی می‌توان تک تک ضرایب به دست آمده را مورد بررسی قرار داده و تجزیه و تحلیل کرد، لیکن، چون هدف ما از این پژوهش، صرفاً بررسی اثرات جهانی شدن بر اقتصاد ایران است، بنابراین، توجه خود را فقط به ضرایب این متغیر معطوف می‌کنیم. ابتدا، به بررسی ضرایب مربوط به تقاضای واردات و سپس، عرضه صادرات می‌پردازیم.

به طور کلی نتایج به دست آمده حاکی از مقبولیت آماری آنهاست. همچنین، چون از سری‌های زمانی متغیرها استفاده شده است، با توجه به آماره DW خود هم بسته نبودن باقیمانده‌ها نیز قابل اثبات است.

همچنین، پایایی متغیرها به منظور اعتبار بخشیدن به نتایج رگرسیون از طریق آزمون ریشه واحد و همجمعی مورد بررسی قرار گرفته است.

آماره‌های هر یک از متغیرهای اقتصادی به کمک نرم افزار PDS که توسط مؤسسه عالی برنامه ریزی و توسعه تهیه شده و همچنین، حساب‌های ملی ایران به دست آمده است.

۵-۱. تقاضای واردات

همان طور که ملاحظه می‌شود، جدول (۲) ضرایب تخمینی توابع تقاضای واردات را نشان می‌دهد. پیش از بررسی لازم است عنوان شود که چون تمام توابع تخمینی به صورت لگاریتمی هستند، لذا،

ضرایب به دست آمده، کشش‌های هر کدام از متغیرها نیز بوده، بنابراین، برای بررسی می‌توان از این ویژگی نیز استفاده کرد.

۵-۱-۱. کالاهای واسطه‌ای

همان گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، ضرایب به دست آمده برای چهار بخش مورد مطالعه رقم مثبتی را نمایش می‌دهد، که نشان دهنده این واقعیت است که همراه با جهانی شدن اقتصاد ایران انتظار می‌رود واردات کالاهای واسطه در تمامی این بخش‌ها افزایش یابد. در بین این بخش‌ها ضریب بخش صنعت و معدن با رقم $1/253$ بیشترین مقدار است. به عبارت دیگر، این بخش بیشترین حساسیت را نسبت به جهانی شدن نشان خواهد داد. با توجه به تعریف کشش، می‌توان بیان کرد که یک درصد تغییر در شاخص جهانی شدن، واردات کالاهای سرمایه‌ای مربوط به بخش صنعت و معدن را بیش از یک درصد تغییر خواهد داد. پس از بخش صنعت و معدن، بخش‌های ساختمان با کشش $1/066$ و خدمات با کشش $0/977$ ارقام بعدی را در دست داشته‌اند. حساسیت بخش کشاورزی نیز کمترین مقدار است که این حاکی از اثرپذیری اندک واردات واسطه‌ای بخش کشاورزی در صورت جهانی شدن اقتصاد ایران خواهد بود. یعنی اینکه بخش کشاورزی، کمتر تحت تأثیر جهانی شدن از دید کالاهای واسطه‌ای قرار می‌گیرد.

۵-۱-۲. کالاهای سرمایه‌ای

همان طور که ملاحظه می‌شود، در رابطه با کالاهای سرمایه‌ای همه بخش‌های مورد بررسی دارای کششی کمتر از واحد هستند. برای این گروه کالاها نیز، بخش صنعت و معدن دارای بیشترین حساسیت نسبت به جهانی شدن اقتصاد ایران است. لیکن، در رتبه بعدی کالاهای کشاورزی قرار دارند. به عبارت دیگر، در صورت افزایش یک درصدی شاخص جهانی شدن (LIT) آن گاه واردات سرمایه‌ای بخش کشاورزی $0/639$ درصد افزایش خواهد یافت. کمترین کشش کالاهای سرمایه‌ای مربوط به بخش خدمات است. به عبارت دیگر، در رابطه با کالاهای سرمایه‌ای، واردات بخش خدمات کمترین حساسیت را نسبت به جهانی شدن اقتصاد ایران از خود نشان می‌دهد، که این مسئله خصوصاً بایستی در تعیین ساختارهای بخش خدمات مورد توجه قرار گیرد.

۵-۱-۳. کالاهای مصرفی

همان‌طور که ملاحظه می‌شود - و انتظار آن نیز می‌رفت - ضریب مورد نظر برای کالاهای مصرفی بیش از واحد است. این، به مفهوم آن است که در صورت جهانی شدن اقتصاد ایران، واردات کالاهای مصرفی افزایش چشمگیری خواهند یافت. عدد مزبور نشان می‌دهد که یک درصد تغییر در شاخص مورد نظر، ۱/۱۱۵ درصد واردات کالاهای مصرفی را تغییر خواهد داد. این موضوع به طور قطع، شرایط رقابت ناپذیر بودن کالاهای مصرفی را نشان می‌دهد تمایل به مصرف کالاهای خارجی و پایین بودن قیمت تمام شده کالاهای خارجی نسبت به کالاهای داخلی، می‌تواند از علت‌های عمده افزایش واردات این گونه کالاها در شرایط باز شدن درهای اقتصاد کشور باشد.

۵-۱-۴. نتیجه این بحث

همان‌گونه که بیان شد، بیشترین ضرایب در رابطه با کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای مربوط به بخش صنعت و معدن است که حاکی از وابستگی این بخش به واردات این نوع کالاها از خارج از کشور است. از طرف دیگر، بخش کشاورزی نیز کمترین حساسیت را نسبت به تغییرات شکل گرفته در شاخص، از خود نشان خواهد داد.

در صورت تغییرات در شاخص جهانی شدن کالاهای مصرفی نیز، حساسیت بسیار زیادی را از خود نشان خواهند داد که حاکی از تمایل به مصرف گرایی در جامعه است.

بنابراین، به نظر می‌رسد که بخش‌های صنعت و معدن و گروه کالاهای مصرفی در زمینه واردات، از فرایند جهانی شدن با افزایش در ترکیب مواجه شوند. این مسئله، می‌تواند برای سیاست‌گذاران بخش‌های یاد شده دارای اهمیت ویژه باشد.

۵-۲. عرضه صادرات

ضرایب تخمینی برای این دسته از توابع در جدول (۳) خلاصه شده است. ما در زیر به بررسی ضرایب مربوط به جهانی شدن اقتصاد می‌پردازیم.

۵-۲-۱. کالاهای واسطه‌ای

در رابطه با صادرات کالاهای واسطه‌ای، همان‌طور که در جدول (۳) ملاحظه می‌شود، بخش ساختمان با رقم بسیار بالای ۶/۲۵۷ بیشترین مقدار را در بین ضرایب به خود اختصاص داده است. با توجه به تعریف کشش، می‌توان بیان کرد که یک درصد تغییر در جهانی شدن اقتصاد ایران بیش از ۶ درصد

صادرات این بخش را تغییر خواهد داد. کمترین مقدار ضریب نیز، مربوط به بخش صنعت و معدن است. به عبارت دیگر، این بخش کمترین حساسیت صادراتی را در هنگام جهانی شدن اقتصاد ایران از خود نشان خواهد داد. این مسئله، به موضوع مزیت نسبی در بخش ساختمان مربوط می‌شود و با توانایی‌هایی که این بخش دارد، می‌توان به موفقیت آن در اقتصاد جهانی امیدوار بود.

۵-۲-۲. کالاهای سرمایه‌ای

در رابطه با صادرات کالاهای سرمایه‌ای چون آمار به تفکیک بخشی وجود نداشت، بنابراین، تنها یک تابع را برای کل صادرات کالاهای سرمایه‌ای تخمین زده‌ایم. همان طور که در جدول (۳) ملاحظه می‌شود ضریب شاخص جهانی شدن تقریباً برابر با واحد است. به عبارت دیگر، یک درصد تغییر در متغیر مزبور، صادرات این دسته از کالاها را نیز یک درصد تغییر خواهد داد.

۵-۲-۳. کالاهای مصرفی

در این رابطه نیز، پایین بودن این ضریب دور از انتظار نیست. همان طور که در جدول (۳) ملاحظه می‌شود، این ضریب در بین تمامی گروه‌های کالایی و بخش‌های صادراتی مختلف، کمترین مقدار را به خود اختصاص داده است. این ضریب، بیان می‌دارد که در صورت تغییر شاخص جهانی شده به میزان یک درصد، صادرات این بخش کمتر از ۰/۵ درصد تغییر خواهد کرد، که نشان دهنده وضعیت مطلوبی نخواهد بود. بنابراین، همان طور که قبلاً نیز گفته شد، بخش کالاهای مصرفی از مزیت نسبی لازم برای حضور در بازارهای جهانی برخوردار نیست. در نتیجه، بافرایند جهانی شدن، گروه کالاهای مصرفی در بخش صادرات با مشکل مواجه خواهند شد.

۵-۲-۴. نتیجه این بحث

در رابطه با صادرات نیز، همان طور که اشاره شد و در جدول (۳) مشاهده می‌شود، صادرات بخش ساختمان مربوط به کالاهای واسطه‌ای، دارای بیشترین حساسیت نسبت به جهانی شدن اقتصاد است. از طرف دیگر، کالاهای مصرفی کمترین حساسیت را در این رابطه از خود نشان داده‌اند.

۶. نتیجه گیری

جهانی شدن واقعی است که مثبت یا منفی با سرعتی بسیار شتابان در حال پیشروی است. اینکه ما آن را مثبت ارزیابی می‌کنیم و یا منفی مقوله‌ای فرعی است، زیرا، خواسته و یا ناخواسته اقتصاد ایران را نیز در بر خواهد گرفت. در این حالت، مهمترین وظیفه ما این است که خود را برای استفاده هر چه بهتر از مزایا و جلوگیری از معایب آن آماده کنیم. برای رویارویی با این پدیده، لازم به نظر می‌رسد که اولاً، قوانین اقتصادی سازگار با اقتصاد جهانی تدوین شود. ثانیاً، از یک طرف به شناسایی بخش‌هایی پرداخته که از توانایی لازم برای حضور در بازارهای جهانی برخوردار بوده و با حمایت هدفمند این بخش‌ها آنها را یاری کنیم، و از طرف دیگر، با شناسایی بخش‌های ناتوان در رویارویی با این پدیده، در جهت تقویت آنها نیز کوشش کنیم.

با ملاحظه جداول (۲) و (۳) می‌توان دریافت که در گروه کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای دو بخش کشاورزی و ساختمان توانایی‌های لازم را برای ورود به بازارهای جهانی خواهند داشت. حمایت هدفمند و بازارپسند کردن تولیدات این دو بخش می‌تواند حرکتی اساسی برای استفاده از منافع حاصل از جهانی شدن باشد.

از طرف دیگر، به نظر می‌رسد که بخش کالاهای مصرفی به طور کلی بیشترین زیان را از پدیده جهانی شدن خواهد برد. البته، این مسئله و همچنین، غیرقابل رقابت بودن کالاهای مصرفی داخلی در مقابل کالاهای مشابه خارجی قابل پیش بینی بود.

در پایان، به نظر می‌رسد که اگر بتوان این مطالعه و یا مطالعاتی از این قبیل را برای ریز کالاهای صادراتی و وارداتی انجام داد، می‌توانیم نتایج مطلوبتری در رابطه با جهت دهی سیاست‌های تجاری خود پیش از اینکه پدیده جهانی شدن به طور ناخواسته ما را در برگیرد، انجام دهیم.

جدول ۱- شاخص جوانی شین اقتصاد به تفکیک نوع کالا و بخش اقتصادی ۳۸-۱۳۷۷

شاخص ادغام یا IIT					شاخص سطح تجارت یا LIT					سال
کالاهای مصرفی	کالاهای سرمایه ای	کالاهای واسطه ای			کالاهای مصرفی	کالاهای سرمایه ای	کالاهای واسطه ای			
	کل	خدمات	کشاورزی	کل		کل	خدمات	کشاورزی	صنعت و معدن	
۱۳۸۸	۰/۰۰۰۲۱	۰/۰۰۰۰۳	۰/۰۰۰۰۳	۰/۰۰۰۰۳	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۲	
۱۳۸۹	۰/۰۰۰۲۳	۰/۰۰۰۱۱	۰/۰۰۰۰۸	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	
۱۳۹۰	۰/۰۰۰۱۵	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	
۱۳۹۱	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	
۱۳۹۲	۰/۰۰۰۰۹	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	
۱۳۹۳	۰/۰۰۰۰۹	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	
۱۳۹۴	۰/۰۰۰۰۹	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	
۱۳۹۵	۰/۰۰۰۰۹	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	
۱۳۹۶	۰/۰۰۰۰۹	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	
۱۳۹۷	۰/۰۰۰۰۹	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	
۱۳۹۸	۰/۰۰۰۰۹	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	
۱۳۹۹	۰/۰۰۰۰۹	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	
۱۴۰۰	۰/۰۰۰۰۹	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	
۱۴۰۱	۰/۰۰۰۰۹	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	
۱۴۰۲	۰/۰۰۰۰۹	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	
۱۴۰۳	۰/۰۰۰۰۹	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	
۱۴۰۴	۰/۰۰۰۰۹	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	
۱۴۰۵	۰/۰۰۰۰۹	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	
۱۴۰۶	۰/۰۰۰۰۹	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	
۱۴۰۷	۰/۰۰۰۰۹	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	
۱۴۰۸	۰/۰۰۰۰۹	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	
۱۴۰۹	۰/۰۰۰۰۹	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	
۱۴۱۰	۰/۰۰۰۰۹	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰۱	

جدول ۳- برآورد ضرورتی مربوط به توابع تقاضای واردات به تفکیک نوع کالا و بخش

F	دوره‌های آماری	R2	تلفیق جهانی شین *		درجات تقابلی	جهت *	مصرف خصوصی	سرمایه گذاری خصوصی	تولید	قیمت	ضرورت ثابت	نوع کالا / سرمایه
			تلفیق جهانی شین *	درجات تقابلی								
۱۹۷۱-۱۷	۱/۳۶۸	-۰/۲۱۵	۱/۲۵۳	-۰/۳۳۷					-۰/۵۵۳	-۰/۲۰۰۹	-۱/۵۸۱	صنعت و معدن
			(۵/۸۱۳۶)	(۳/۸۱۶)			(۵/۰۰۹۳)	(-۲/۸۸۸)	(-۲/۰۹۸)			
			۱/۰۶۶	-۰/۱۱۱			۰/۰۰۰۰۰۰۱		۱/۱۲۶			
۳۰۳/۱۳۱	-۰/۰۳۳	-۰/۸۷	(۱۲/۰۹۱)	(۱/۵۶۱)				(۵/۳۹۹)			(۵/۱۷۸)	وسایط ای
			۰/۸۷۷	-۰/۱۳۹			-۰/۲۶۷	(۲/۸۸۹)				
			(۱۶/۶۱۵)	(۲/۳۰۶)			(۲/۸۳۳)	(-۱/۲۹۲)	(۲/۸۸۹)			
۵۵۱۲۶	۱/۲۶۷	-۰/۸۸۳	-۰/۵۵۸	(۰/۵۵۵)				-۰/۱۷۳			۲/۲۸	کناروی
			(۵/۱۳۳)	(۶/۳۹۲)			(۱/۳۵۲)		(۳/۳۰۹)			
			۰/۳۳۳	-۰/۳۳۷			-۰/۵۶۱	(۵/۰۶۳)	(۵/۰۶۳)			
۲۶/۸۳۲	۱/۲۱۹	-۰/۸۵۷	(۱۰/۰۰۰۰۰۰۱)	(۳/۲۵۷)				(۲/۵۹۱)		(-۳/۶۰۳)	(۵/۰۶۳)	صنعت و معدن
			-۰/۳۳۸	-۰/۳۳۳			-۰/۳۳۱	-۱/۵۵۳	۲/۲۳۳			
			(۳/۳۹۹)	(۱/۸۵۵)			(۳/۳۵۶)	(-۲/۲۳۶)	(۱/۵۷۸)			
۵۵۱۳۸	۱/۳۳۱	-۰/۸۹۸	-۰/۶۳۹					۰/۲۳۳			۶/۰۸۳	سرمایه ای
			(۵/۳۱۸)				(۵/۳۳۱)		(۳/۸۲۲)			
			۱/۱۱۵	-۰/۱۸			-۰/۸۸۹	-۰/۳۱۷				
۸۱-۸۳۲	۲/۳۰۳	-۰/۹۹۳	(۱/۷۳۳۶)	(۳/۰۱۲)					(۱/۳۵۷)	(-۰/۷۵۹)		مصرفی

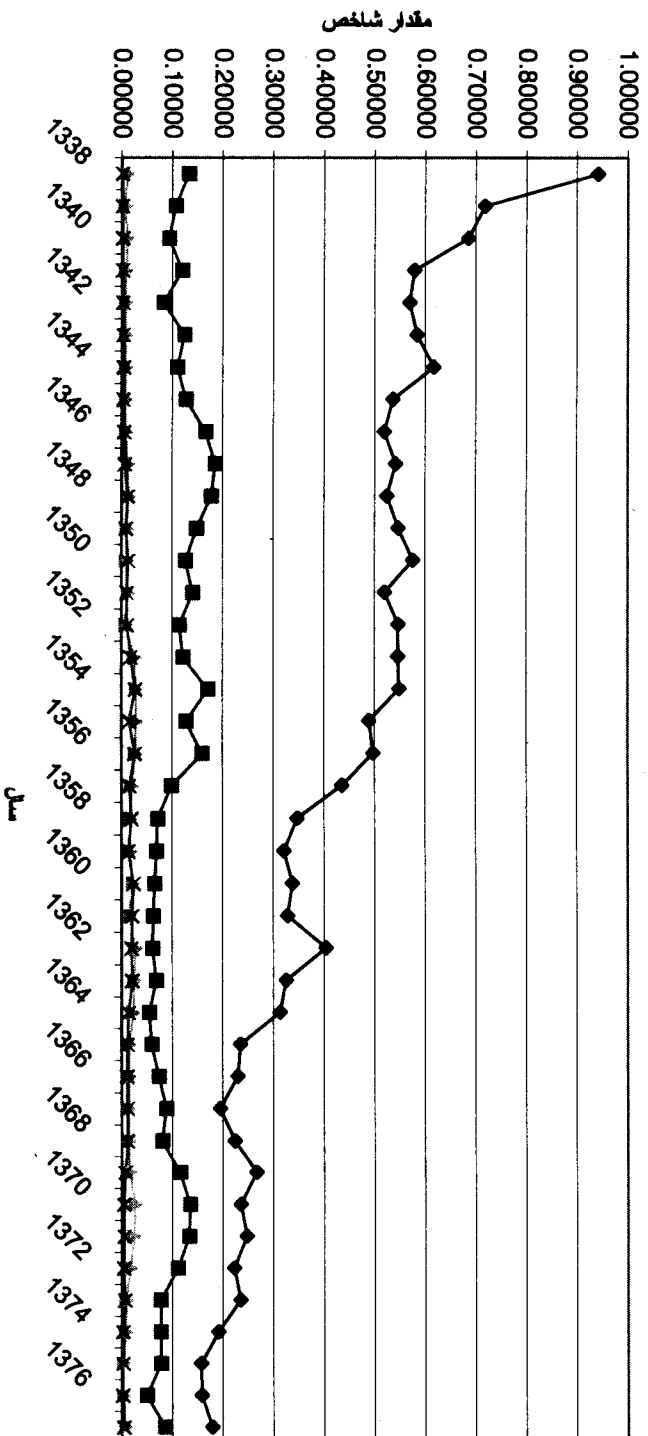
اصلاحات داخل پرانتز آماره ۴ هستند.

جدول ۳- برآورد ضرایب مربوط به توابع عرضه صادرات به تکنیک نوع کالا و بخش

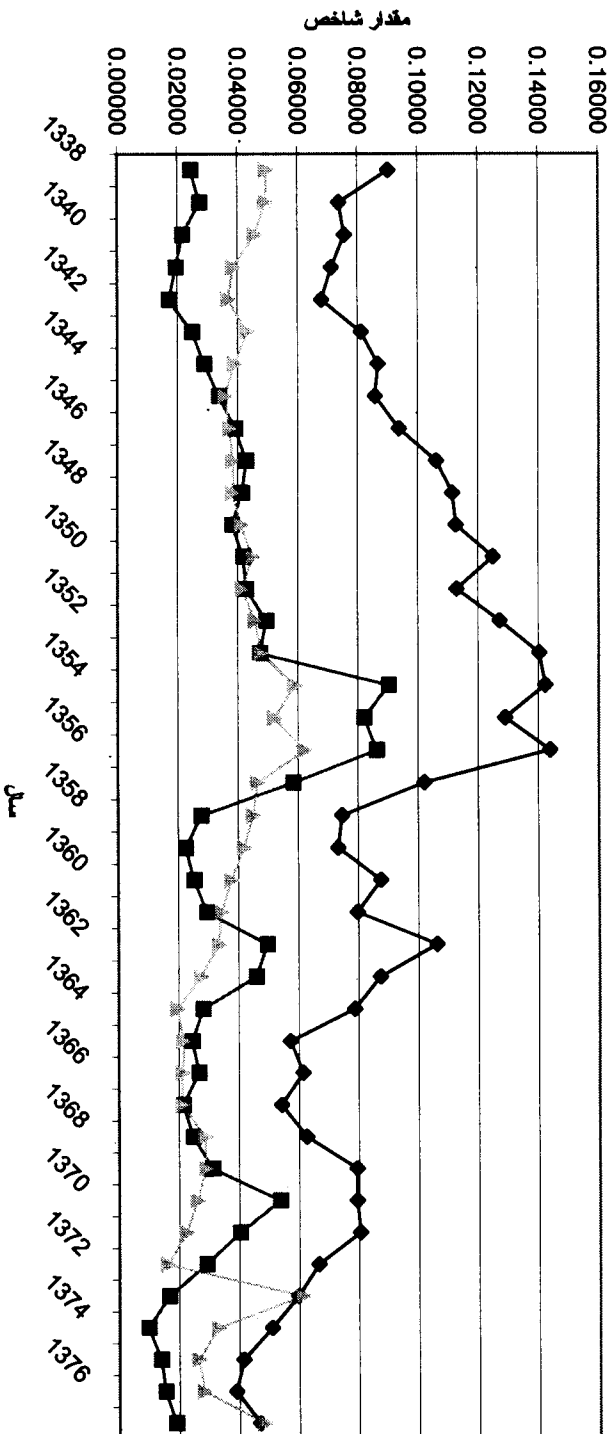
F	دوربین- واتسون	R2	شاخص جهانی شدن	صادرات تاخیری	قیمت	ثابت	نوع کالا/ ضریب	واسطه ای
۲۱۷/۳۵۱	۱/۵۲۳	۰/۸۶۱	۰/۸۱۱		۰/۳۸	۱۲/۱۴	صنعت و معدن	
			(۱۷/۱۸۵)		(۲/۲۸۱)	(۱۲/۵۸۶)		
۲۷/۰۲	۱/۵۱۱	۰/۶۷۸	۶/۲۵۷	-۰/۳۷۲		(۱۱/۳۳۴)	ساختمان	
			(۱/۶۸۶)	(-۱/۸۴۸)		(۲/۲۴۴)		
۱۱۴/۳۳۳	۱/۹۰۹	۰/۸۹۹	۰/۸۱۴		۰/۳۷	۱۰/۳۹۷	خدمات	
			(۱۷/۲۵۶)		(۱/۳۳۹)	(۱۲/۳۳۱)		
۲۰۶/۲۳	۱/۳۹	۰/۹۴۱	۰/۸۸۸			۱۰/۲۰۰۷	کشاورزی	
			(۱۹/۳۳۳)			(۶/۱۸۸)		
۴۰۲/۲۸۱	۱/۵۵۲	۰/۹۵۴	۰/۹۹۹			۱۲/۱۲۶	سرمایه ای	
			(۱۴/۸)			(۱۹/۵۶۸)		
۱۹/۱۳۳	۲/۰۲۸	۰/۵۵۵	۰/۴۶۶	-۰/۳۵۱		۱۸/۶۷۷	مصروفی	
			(۱/۸۷۸)	(-۱/۹۵۱)		(۱/۳۸)		

اعداد داخل پرانتز آماره t هستند.

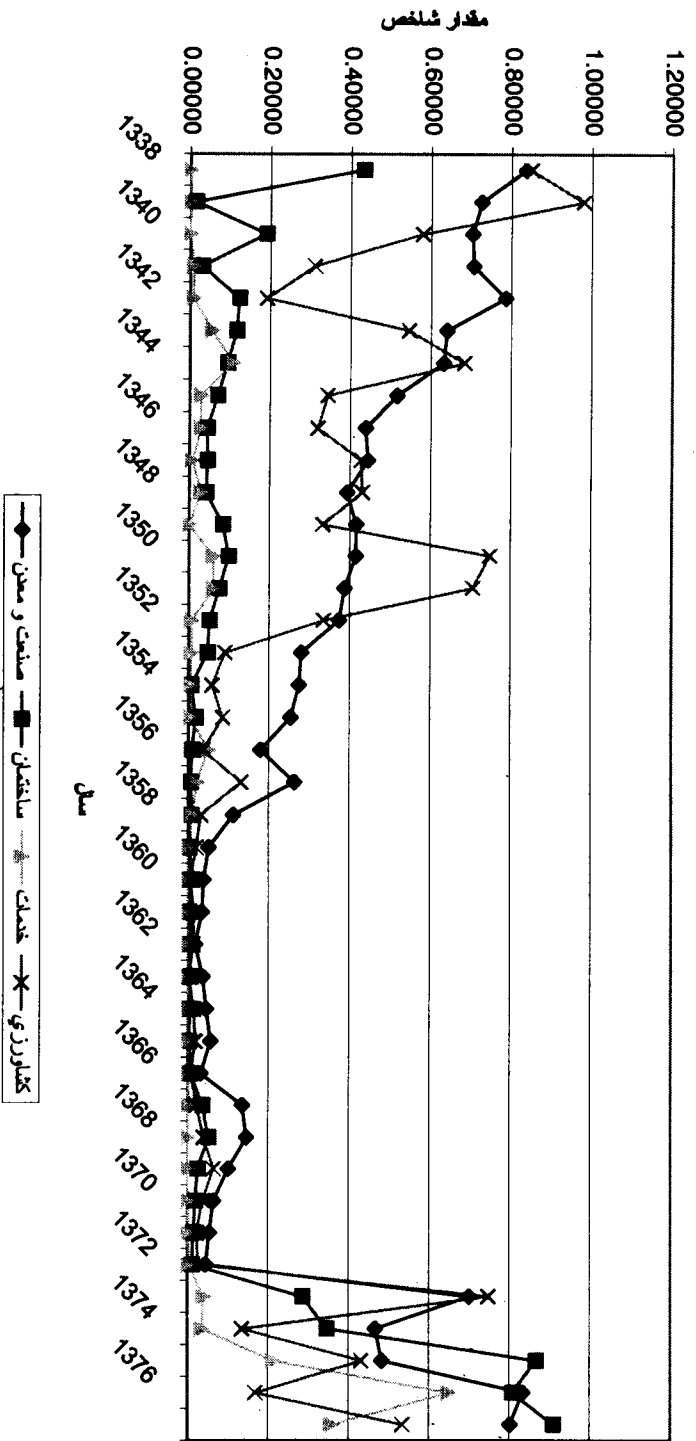
نمودار ۱- شاخص سطح تجارت جهانی برای کالاهای واسطه‌ای ۳۸-۱۳۷۷



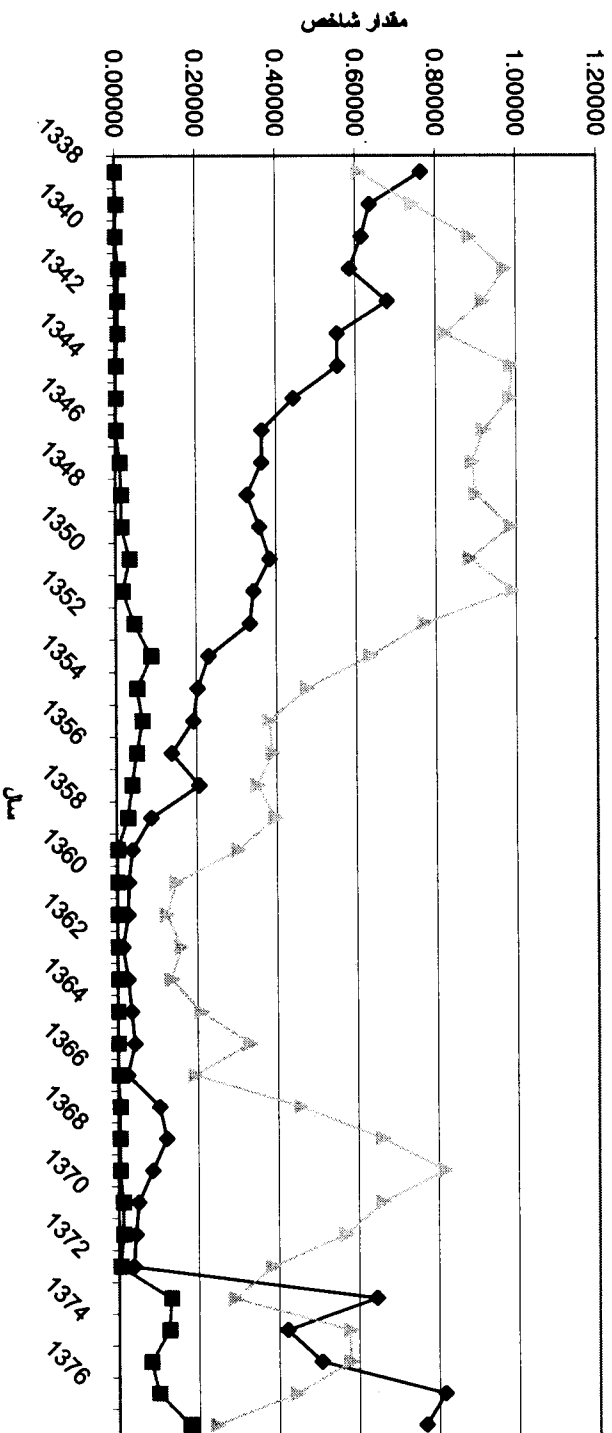
نمودار ۲- شاخص سطح تجارت جهانی به تفکیک کالاهای واسطه ای، سرمایه ای و مصرفی ۱۳۷۷-۳۸



نمودار ۳- . شاخص اعلام برای کالاهای واسطه به تفکیک بخش های اقتصادی ۳۸-۱۳۷۷



نمودار ۳- شاخص ادغام به تفکیک کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی ۱۳۷۷-۳۸



منابع

- بهمنی اسکویی، محسن. (اردیبهشت ۱۳۷۲). اثرات کلان اقتصادی کاهش ارزش خارجی ریال ایران سومین سمینار سیاست‌های پولی و ارزی..
- رحیمی بروجردی، علیرضا. (تهران ۱۳۷۹). ارز و صادرات غیر نفتی. مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- کميجانسی، اکبر و کیومرث نوری. (تهران پائیز ۱۳۷۹). جهانی شدن اقتصاد و اثرات آن بر کشاورزی ایران (مطالعه موردی گندم و پسته). مجله علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت، شماره ۴۶.
- نوفرستی، محمد و عباس عرب مازار، (۱۳۷۳): یک الگوی اقتصادسنجی کلان برای اقتصاد ایران، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۱، سال دوم.

- Hemphill, W. (1979). The Effects of Foreign Exchange Receipts on Imports of Less Developed Countries. *I.M.F. Staff Paper*, No. 21, PP. 632-677.
- Hothaker H.S. and S.P. Magee. (1969). Incom and Elasticity in world Trade. *Review of Economics and Statistics*. PP. 111-125.
- Khan M. S. (1971). Import and Export Demand in Developing Countries . *I.M.F. Staff Paper*, PP. 678-693.
- Makhija, M.V., Kim K. and Wiliamson, S.D. (1997). "Measuring globalization of Industries a National Industry Approach: Emperical Evidence Across Five Countries and Over time. *Journal of International Business Studies*, Forth Quarter, PP. 679-710.
- Pesaran M.H. (1989). *Macroeconomic Policy in an Oil-Exporting Economy With Foreign Controls*. No. 51, PP. 253-270.
- Sarmad, K. (1988). *The Functional Form of The Aggregate Import Demand Equation: Evidence From Developing Countries*. Vol. 27, PP. 309-315.
- Vakil F. and Razawi, F. (1989). *The Political Enviornment of Economi Planning In Iran, 1973-1981 from Monarchy to Islamic Republic*. Baulder Westview Press.